۲۱۲ - ای نهال آمال آن بيهمال

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۱۲ - ای نهال آمال آن بيهمال

ای نهال آمال آن بيهمال، نامه وصول يافت آنی راحت و مهلت ميسّر نه تا بنگارش جواب بتفصيل پردازم لهذا مجبور بر ايجازم معذور بداريد. نامه الحمد للّه نافه مشک بود بوی دلجوی جنّت ابهی داشت هر چند جميع ما در مقابل الطاف بی‌منتهی غريق دريای قصوريم پرفتوريم و بی وله و شوريم ولی موفّق بالطاف موفوريم که قطره را بجای دريا قبول ميفرمايد و پشه ئی را پرواز عقاب می‌آموزد بنده آبق را پرورده صادق مينمايد افسرده نابود را شمع بازغ ميفرمايد اين از الطاف آن جان جهانست لهذا هر چند شرمساريم ولی اميدواريم. امروز اهمّ امور اينست که بموجب تعاليم الهی در جميع اقاليم رفتار نمائيم و با جميع خلق مهربان باشيم و جانفشان گرديم بيگانگان را آشنا دانيم و اعدا را احبّا شمريم و کلّ را غمخوار و خاکسار باشيم بکمال وفا سينه را هدف تير جفا کنيم و از خطای کلّ چشم پوشيم همدم فقراء باشيم و همراز بی‌نياز گرديم بحکمت حرکت نمائيم پرده دری ننمائيم بخوش سلوکی پردازيم. فی الحقيقه اهل عالم دلبر حقيقی را فراموش نموده‌اند و چنان بدام و دانه گرفتار شده‌اند که از گلشن الهی و حديقه ربّانی بوئی بمشام آنان نميرسد.

البتّه مزکوم از رائحه طيّبه محروم است و نابينا از مشاهدهٔ جمال محجوب و مأيوس و عموم خلق بی‌انصاف و پراعتساف. البتّه اين اعمال و رفتار مغناطيس غضب پروردگار لهذا در جميع آفاق آثار قهر نيّر آفاق ظاهر و آشکار. سبحان اللّه بيماران از طبيب مهربان در فرار و تشنگان از دريای عذب فرات بيزار بی‌نوايان از گنج بی‌پايان در کنار و طفلان از ثدی عنايت بی‌بهره و نصيب و هذا بما اکتسبت ايداهم يوم سمعوا النّداء من مکان قريب .

با وجود اين اميد از عفو و عنايت شديد القوی چنانست که نوميد نگردند و الی الابد محروم نمانند اندکی اگر ملاحظه کنند و بحقيقت پی برند و از حميّت جاهليّه بگذرند و دل و جان را از تعصّب شديد رهائی بخشند عموم اهل ايران بشکرانه پردازند که الحمد للّه اين افق تاريکرا آفتابی درخشنده طلوع نمود اين ايران ويرانرا الطاف بی‌پايان جلوه نمود اين کشور گمنامرا قبله آفاق کرد و اين اقليم جحيم را جنّة النّعيم فرمود. زيرا شمس حقيقت ازين نقطه درخشيد و اليوم در افريک و امريک و حدود و ثغور ترک و تاجيک در قطعات خمسه عالم شلّيک يا بهاء الابهی بلند است ايران مرکز انوار گردد اين خاک تابناک شود و اين کشور منوّر گردد و اين بی‌نام و نشان شهير آفاق شود و اين محروم محرم آرزو و آمال و اين بی‌بهره و نصيب فيض موفور يابد و امتياز جويد و سرافراز گردد.

